فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰
صفحات ۴۵ – ۷۳

خدمات آل طاووس به جوامع و مکاتب علمی شیعه[۱]

مـحمـد حـاجی‌تـقـی[۲]

چکیـده

خاندان‌های شیعی در حفظ و گسترش معارف و آموزه‌های تشیع در تـاریخ فکـری ایـن مذهب نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. در تبیین این نظریه می‌توان آل طاووس را به عنـوان یک نمونه‌ی عینی مطرح کرد. این دودمان از سلاله‌ی سادات بـود کـه در قـرن هفـتم هجـری قمـری، خـدمات ارزشـمندی را بـه جوامـع شـیعی ارائـه داد. آل طـاووس از خانواده‌های پر نفوذ در آن دوره بودند که منصب نقابت را به شکل موروثی در میان خود داشتند و از این طریق منشأ خدمات سیاسی و اجتماعی سرنوشت‌سازی برای شیعیان شدند. برجسته‌ترین چهره‌ی این خاندان، ابن طاووس است که در سـیره‌ی سیاسـی، اخلاقـی، عرفانی و تدوین آثار دعایی، تحولی جریان‌ساز در مکاتب فقهی– حدیثی شیعه به وجود آورد و در فرهنگ شیعی عصر صفوی و به ویژه در جریـان اخبـاری مقبـولیتی در خـور یافت. برادر وی، احمد بن طاووس با تبویب حدیث و ایده‌های نو در رجال و درایـه، بـه همراه فرزندش عبدالکریم، موجبات رشد مکتب اصولیان را تا حد قابل تـوجهی فـراهم آورد. آثـار متعـددی از ایـن خانـدان در زمینـه‌های فقـه و حـدیث، تـاریخ و تـراجم، مناقب‌نگاری، اخلاق، تفسیر، رجال و درایه موجود است که بر اعتبار جایگاه علمی آن‌ها در نزد عالمان شیعه و تأثیرگذاری در مکاتب فکری شیعه می‌افزایـد. تکاپوهـای علمـی این خاندان در زمینه‌ی نشر و تدوین آثار ارزنده‌ی علمی که از عصر یورش مغولان آغاز شده بود و تا دوره‌ی صفویه را در برمی‌گرفت زمینه‌های رشد مشـرب فکـری تشـیع را فراهم آورده است. این مقاله می‌کوشد تا تأثیر این خاندان را در بالندگی مکتـب فکـری شیعیان، بر پایه‌ی روش تحقیق تاریخی، بررسی و بیان کند.

کلیدواژه‌ها

رجال شیعه، مکاتب فکری تشیع، نقابت، آثار علمی شیعی، مناقب‌نگاری، ابن طـاووس، ایلخانان.

---

۱. تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۱. تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۳۰.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی. mhajitaghi@yahoo.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

مقدمه

در گستره‌ی تمدن اسلامی خاندان‌های علمی از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ و علوم اسلامی به شمار آمده‌اند. در دوره‌های گوناگون، همواره خاندان‌هایی که در اقلیت مذهبی قرار داشتند، توانسته‌اند در زمینه‌های علمی تأثیرگذاری قابل توجهی را برجای گذارند. برای نمونه در تشیع امامیه، خاندان‌های علمی، ارکان اصلی در میراث‌داری علوم و معارف اهل بیت (ع)، تدوین و تبیین کتاب‌ها و رسائل و برپایی مکاتب فکری، کلامی، فقهی و... شیعه بوده‌اند که از آن میان می‌توان دودمان‌های نوبختی(بنی‌نوبخت)، آل فرات، اشعریان، بابویه، برقی، بنی‌حمدان، بنی‌زهره، و دودمان شیخ طوسی را نام برد.

آل طاووس یکی از این خاندان‌های شیعی است که در مقطعی از تاریخ، با محوریت رضی الدین علی بن طاووس، منشأ خدمات علمی، فرهنگی و سیاسی به جوامع شیعی شدند که آثار آن در برهه‌های دیگر تاریخ نیز نمایان گشت. اقدامات ایشان در حفظ جوامع شیعی از یورش مغولان و نقابت سادات به بالندگی این جوامع در عهد ایلخانی و رونق مدرسه‌ی حله کمک شایانی کرد. آل طاووس در جایگاه عالمان دینی در علوم متداول در حوزه‌های شیعی نیز مصدر نوآوری و رشد این علوم شدند و در تبیین مکاتب فکری شیعه مؤثر افتادند. این پژوهش بر آن است تا با بازشناسی این خاندان با تکیه به منابع تاریخی و غیر آن (تراجم، انساب، حدیثی و...) و نیز آثار بر جای مانده از ایشان، حتی المقدور به بازسازی حیات سیاسی و اجتماعی آن‌ها و در نهایت به موضوع‌بندی آثار و بررسی ارزش و اعتبارشان و میزان مقبولیت وپذیرش این آثار در جوامع شیعی بپردازد.

معرفی آل طاووس

آل‌طاووس فرزندان محمدبن اسحاق (متوفی ۶۲۰ ق)[1] معروف به طاووس‌اند که از پدر به حسن مثنی و از مادر به خدیجه دختر علی‌بن حسین منسوبند (ابن‌عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۵۶؛ کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۱۹). از این‌رو ایشان را "ذوالحسبین" نامیده‌اند (علی‌بن موسی‌بن طاووس، ۱۳۶۸، ص۱). اسحاق پدر محمد، از زهاد عصر خود (مجلسی،

۱. او را از آن روی طاووس می‌خواندند که قیافه‌اش زیبا و پاهایش نازیبا بود و خانواده‌ی وی نیز با همین لقب شهرت یافتند (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص ۲۰؛ خوانساری، ۱۳۹۰، ج۴، ۳۲۵؛ ابن عنبه، ۱۴۲۷، ص۲۳۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

۱۹۸۳، ج۱۰۷، ص۶۴)، و نقیب علویان در مدینه بـود (ابـن طقطقـی، ۱۴۱۴، ص۱۲۷). فرزندان وی بیشتر به آذربایجان و طبرستان و عده‌ای نیز به عـراق مهـاجرت کردنـد. از میان آن‌ها محمد طاووس ابتدا به بغداد، سپس بـه سـورای حلـه آمـد (ابن‌عنبـه، ۱۴۲۷، ص۲۳۲) و به نقابت علویان آن دیار گمارده شـد (مجلسـی، ۱۹۸۳، ج۱۰۷، ص۴۴). از این پس، تا سعدالدین ابوابراهیم موسی‌بن جعفربن محمدبن محمد بن احمـدبن محمـد طاووس گزارشـی از ایشـان در دسـت نیسـت. سـعدالدین را در شـمار زهـاد زمـانش آورده‌انـد (ابن‌عنبـه، ۱۴۲۷، ص۲۳۲). موسـی‌بن جعفـر بـن طـاووس بـه سـال ۶۲۰ ق درگذشت و در نجف بـه خـاک سـپرده شـد (علـی بـن موسـی بـن طـاووس، ۱۳۷۷، صـص۱۵۵- ۱۵۴). بـه جـز رضـی‌الدین علـی کـه برجسـته‌ترین شخصـیت خانـدان آل‌طاووس است، سعدالدین موسی بن جعفر، سه فرزند دیگر به نام هـادی شـرف‌الدین محمد، عزالدین حسن و جمال‌الدین احمد داشته که آوازه‌ی بلند آل‌طاووس از ایشان و بعضی فرزندانشان است.

رضی‌الدین علی در ۱۵ محرم ۵۸۹ ق در شـهر حلـه بـه دنیـا آمـد (کلبـرگ، ۱۳۷۱، ص۱۸). جد مادری وی ورام‌بن ابی‌فـراس نخعـی (متـوفی ۲ محـرم ۶۰۵، در حلـه) از محدثان امامیه بوده است (ابن بابویه الرازی ، ۱۳۶۶، صص۱۲۸ ـ ۱۲۹). ابن‌طـاووس تحصیلات آغازین خود را نـزد پـدر و جـدش ورام فـرا گرفـت (ابن‌طـاووس، ۱۴۱۷، ص۱۶۴). از جـوانی چنـان شـیفته‌ی سیروسـلوک زاهدانـه بـود کـه از ازدواج گریـزان شد؛ فقط زمانی که استخاره به وی این اجازه را داد، بـا دختـر وزیـر ناصـر بـن مهـدی (متولـد ۶۱۷ق) ازدواج کـرد (ابـن طـاووس، ۱۴۱۷، ص۱۶۶). ایـن ازدواج او را بـه شهر بغداد کشاند (علی بـن موسـی بـن طـاووس، ۱۳۸۱، ص۳۸۴). ایـن امـر بایسـتی در دوره‌ی خلافت مستنصر(۶۴۰-۶۲۳ق) خلیفه‌ی مورد ستایش شیعیان رخ داده باشـد. در آن‌جا با ابن‌علقمـی شـیعه (از شـاگردان مدرسـه‌ی حلـه) کـه در ایـن زمـان سـمت استاذالدار دربار عباسی را داشـت، روابـط نزدیـک یافـت و نیـز بـا فرزنـدش عزالـدین ابوالفضل محمدبن محمد، صاحب مخزن نیز دوسـتی داشـت (مجلسـی، ۱۹۸۳، ج۱۰۷، ص۴۴). در این زمان مستنصر، خلیفه‌ی عباسی، بـه او تمایـل یافـت؛ بنـابراین خانـه‌ای برای وی فراهم کرد و به مناسـبت‌های گونـاگون بـه وی پیشـنهاد پـذیرش مسـؤولیت افتاء، نقابت، سفارت و حتی وزارت کرد؛ ولی هربار با بی‌میلی و پرهیز وسـواس‌گونه‌ی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

ابن‌طاووس روبه‌رو شد (ابن‌طاووس، ۱۴۱۷، صص۱۶۸-۱۷۰). این پرهیز برآمده از مبانی فکری وی در نفی مشروعیت دولت عباسی بود. وی در نامه‌ای به یکی از وزرای دولت عباسی می‌نویسد که خود را از جانب خدا و پیامبر و ائمه مکلف به کراهت از بقای قدرت وی می‌داند. او حتی در دخول سید مرتضی و شریف رضی در سیاست در دولت شیعی آل‌بویه عذر صحیحی نمی‌بیند (ابن‌طاووس، ۱۴۱۷، ص۱۴۶).

در همین اوان با محمد بن محمد آوی از رجال علمی برجسته خاندان شیعی آوی نجف به زیارت روضه غروی رفت (ابن‌طاووس الف، ۱۳۷۷، ج۲، ص۲۷۲). مکاشفات روحانی وی در این سفر، انگیزه‌ی مراجعت دوباره وی به نجف شد. او سه سال اقامت زاهدانه (۶۴۵ ـ ۶۴۸ ق)، در نجف داشت. سپس عازم کربلا شد و سه سال (۶۴۹ - ۶۵۲ ق) نیز در آن‌جا به سیروسلوک پرداخت. ابن‌طاووس برای تکمیل سلوک خویش، سامرا را مناسب یافت و به این قصد به بغداد بازگشت، اما به دلایل نامعلوم در آن‌جا ماند (ابن‌طاووس، ۱۴۱۷ق، صص۱۷۴- ۱۷۵) و تا حادثه‌ی سقوط بغداد (۶۵۶ ق) در آن شهر اقامت گزید. او خاطره‌ی شبی را که بغداد در آن سقوط کرد، با شکرگزاری به درگاه خداوند، از سلامت خود و خانواده‌اش بیان می‌دارد. روشن نیست که چرا کشته شدن برادرش شرف‌الدین محمد در این واقعه، در وی تأثری برنیانگیخته است (ابن‌طاووس، ۱۳۷۷ الف، ج۳، ۹۵). در فضای سنگین و پرتردید مجلسی که هولاکو در آن علمای مستنصریه را گرد آورده بود تا به این سؤال که حاکم کافر عادل برتر است یا مسلمان ظالم؟ پاسخ دهند، ابن‌طاووس با جسارتی مؤمنانه، فتوا بر فضیلت حاکم کافر عادل داد (ابن‌طقطقی، ۱۴۱۴، ص۱۷). هلاکو به پاسداشت این فتوا وی را احضار کرد و به درخواست ابن طاووس به هزار نفر از آشنایان وی امان داد که همراه وی به حله روند.[1] در اقدامی دیگر او به همراه جماعتی از علما نزد هولاکو آمد و امان شهرهای حله، کوفه، نجف و کربلا را از وی گرفت (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص۱۸-۱۹) و با این کار، خدمات خاندان آل‌طاووس به جوامع شیعی را تکمیل کرد.

۱. ظفرت فیه بالامان و الاحسان و حقنت فیه دماؤنا و حفظت فیه حرمنا و اطفالنا و نساؤنا و سلم علی ایدینا خلق کثیر من الاصدقاء و الاسره و الاخوان و دخلو بطریقنا فی الامان، ر.ک: (ابن‌طاووس، ۱۳۷۷ الف، ج۳، صص۵۶۸ و ۵۸۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

این حوادث نبایستی بی‌ارتباط با اشارات و راهنمایی‌های خواجه‌نصیرالدین طوسی و ابن‌علقمی بوده باشد؛ زیرا زمانی که به عادت معمول، ابن‌طاووس قصد داشت پیشنهاد هولاکو مبنی بر نقابت علویان بغداد را نپذیرد، خواجه به وی هشدار داد (۶۵۶ ق) (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۳۱). بعدها به سال ۶۶۱ قمری وی نقیب النقبای عراق شد (ابن فوطی، ۱۹۹۷، ص۳۸۱). در این زمان روایتی درباره‌ی دوره‌ی آخرالزمان، او را دچار تحول روحی کرد. این روایت را در مکاشفات خود رمزگونه یافت؛ به طوری که امیدوار بود که شخص عادل از اهل بیت که قبل از ظهور قائم، حکومت می‌کند، وی باشد. این اندیشه و تحول روحی در دوازدهم ربیع‌الاول ۶۶۲ قمری در وی رخ داد (ابن‌طاووس، ۱۳۷۷ الف، ج۳، صص۱۱۶– ۱۱۸). پس از این ماجرا اخباری از زندگی وی در دست نیست، اما عزل او از مقام نقیب‌النقبایی در اواخر زندگیش بایستی مرتبط با این بوده باشد (ابن زهرة، ۱۳۸۲ق ـ ۱۹۶۲م. ص۵۸). وی در صبح روز دوشنبه پنجم ذی‌قعده‌ی سال ۶۶۴ قمری درگذشت. پیکر وی را به نجف منتقل کردند و در آن‌جا به خاک سپردند (ابن فوطی، ۱۹۹۷، ص۳۸۸).

عبقریت رضی‌الدین علی و شخصیت قدسی وی، تأثیر قاطعی در حیات فکری و اجتماعی شیعه داشت و وی را به نماد آل‌طاووس بدل کرد؛ به طوری که مراد از مطلق کلمه‌ی ابن‌طاووس و یا سید بن طاووس در حوزه‌های علمی امامیه، وی است.

از ابن‌طاووس دو پسر و چهار دختر به جای ماند. دختران وی، شرف‌الاشرف و فاطمه، هر دو در سنین پایین حافظ قرآن بوده‌اند (ابن طاووس، ۱۴۲۱، صص۵۳-۵۴؛ ابن طاووس، ۱۳۸۱، ص۲۲۸). پسر بزرگش جلال‌الدین محمد (متولد ۹ محرم ۶۴۳ در حله) (ابن طاووس، ۱۴۱۷، ص۴۴) مورد توجه خاص ابن‌طاووس بود و وی آمال خود را در وجود او جستجو می‌کرد.[1] او را سیدی ادیب و فاضل (ابن‌فوطی، ۱۴۱۶، ج۵، ص۲۴۴)، جلیل و زاهد ذکر کرده‌اند که به سبب زهدش از مردم کناره‌گیری می‌کرده است (ابن‌طقطقی، ۱۴۱۸، ص۱۳۲؛ ابن زهرة، ۱۳۸۲، ص۵۸). دو استاد وی یکی پدر و دیگری محقق حلی است که کتاب *جامع الشرایع* وی را نزدش قرائت کرده است (طهرانی، بی‌تا، ص۱۶۴). او عمر کوتاه

۱. سراسر کتاب کشف المحجه، وصایای وی به محمد است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

خود را در خانه‌نشینی و عبادت سپری کرد (متوفی ۶۷۰ ق)[1] و از وی فرزندی به جای نماند (ابن‌عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰).

دیگر فرزند ابن‌طاووس، رضی‌الدین علی، متولد ۸ محرم ۶۴۷ قمری در نجف اشرف بود (ابن طاووس، ۱۴۱۷ ق، ص۴۴). هم نام و هم کنیه پدر[2] و عالمی نسابه بوده است (ابن فوطی، ۱۴۱۶ ق، ج۳، ص۳۷۶). رضی‌الدین علی، به سال ۶۸۰ قمری نقابت طالبیان بغداد را عهده‌دار شد.[3] در رمضان سال ۷۱۱ قمری وفات یافت و در نجف به خاک سپرده شد.[4] از وی فرزندی بنام قوام‌الدین به جای ماند او در شمار عالمان نسابه است (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۵، ص۱۸۳). قوام‌الدین در طفولیت در بارگاه سلطان الجایتو حاضر گشت (الاعلمی، ۱۳۷۵، ص۲۰۱) و نقابت طالبیان به او داده شد (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۳، ص۴۷۶). از قوام‌الدین دو فرزند به نام‌های نجم‌الدین ابوبکر عبدالله و عمر به جای ماند. نجم‌الدین ابوبکر نقابت علویان بغداد و حله و سامرا را داشت و از وی فرزندی باقی نماند. از فرزند دیگرش عمر نیز اطلاعی در دست نیست (ابن‌عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰).

فرزند دیگر سعدالدین موسی، شرف‌الدین در سقوط بغداد (۶۵۶ق) کشته شد و اعقابی از خود به جای نگذاشت. عزالدین حسن، از دیگر فرزندان ذکور سعدالدین بود که در منابع از او با عنوان «زاهد» یاد شده است. او به سال ۶۵۴ قمری درگذشت و سه پسر از خود به جای گذاشت. یکی ابوالحسن سعدالدین موسی که به عنوان «زاهد» توصیف شده است. دیگری قوام‌الدین احمد(متوفای ۷۰۴) که در دوره‌های ارغون (۶۸۳ـ۶۹۰ ق) و گیخاتو (۶۹۰ ـ ۶۹۴ ق) امیرالحاج بوده (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۳، صص۴۷۴– ۴۷۶؛ ابن‌عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰) و نقابت علویان نجف را نیز عهده‌دار بوده است (ابن‌بطوطه، بی‌تا، ج۱، ص۴۲۴). ابن‌فوطی از رضایت حجاج از خدمات و امنیتی که حاکم کرده بود، سخن می‌گوید و او را خوش اخلاق و کریم توصیف می‌کند (ابن

۱. ابن‌زهره سال وفات وی را در «سنه ثمان و ستمائه» می‌آورد که ثمان تصحیف ثمانین است و یا اینکه ستمائه به اشتباه کاتب سبعمائه شده است. ر.ک: ابن‌زهره، ۱۳۸۲ ق، ۵۸.

۲. مادر وی زینب دختر ابوالحسین‌بن کتیله علوی زیدی بوده است. ر.ک: ابن‌طقطقی، ۱۴۱۸، ص۱۳۲.

۳. معروف است که از عفیف‌الدین ابوعلی، فرج اسرائیلی یعقوبی که شاعری یهودی بوده جزئیات اصول مذهب یهود و اشیای متعلق به اصول مذهب آنان را پرسید. ر.ک: ابن‌فوطی، ۱۴۱۶، ج۱، ۴۶۴.

۴. وی مقیم شهر بغداد بوده است: ابن‌طقطقی، ۱۴۱۸، ص۱۳۲.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

فوطی، ۱۴۱۶، ج۳، ص۴۷۴)، از وی فرزندی به جای نمانـد (ابن‌عنبـه، ۱۴۲۷ ق، ۱۷۰). سومین پسر عزالدین حسن، مجدالدین محمد(متوفی۶۵۶ ق) بود که در جامعه‌ی شـیعه عراق، زعامت معنوی داشت و رهبری هیأت علما و رجال حله را نزد هولاکو عهـده‌دار بوده است (ابن فوطی، ۱۹۹۷، ص۳۶۰). گفتگوهای وی با هولاکـو دربـاره‌ی پیشـگویی امام علی (ع) راجع به سقوط دولت عباسی، منجر به نگارش کتاب «البشارت» و تقـدیم آن به هولاکو شد (ابن‌عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰)؛ به علاوه او مبالغ زیادی پول نـزد هولاکـو فرستاد. این کار، منجر به امان‌نامه‌ای شد که حله و نیل و نجف و کـربلا را از غـارت و ویرانی نجات داد. او به عنوان نقیب بلاد فراتیه تعیین شد، اما اندکی بعد در همان سـال (۶۵۶ق) درگذشت. از وی نیـز اولادی بـه جـای نمانـد (ابـن فـوطی، ۱۹۹۷، ص۳۶۰؛ ابن‌عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰).

فرزند دیگـر سـعدالدین، جمال‌الـدین ابوالفضـایل احمـد (متوفـای۶۷۳) بـود کـه از مشهورترین و برجسته‌ترین عالمان خاندان آل‌طاووس است. او به سـرودن شـعر ممتـاز بود (ابن‌داود ۱۳۴۲، صص۴۵ – ۴۶). در ورع و تقوی وی را برترین فضلای عصر خود دانسـته‌اند (مجلسـی، ۱۹۸۳، ج۱۰۷، ص۶۳؛ ابـن‌داود ۱۳۴۲ ق، ص۴۵ – ۴۶؛ ابن‌عنبـه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰). در موضوع‌های ادعیه، منـاظره و فقـه تألیفـات متعـددی داشـت و تـا هشـتاد و دو تـألیف نگاشـته اسـت (ابـن‌داود ۱۳۴۲، ص۴۶؛ خوانسـاری، ۱۳۹۰، ج۱، ص۶۶). پس از سقوط بغداد، خواجه نصیرالدین طوسی او را نـزد هولاکـو آورد. ملـک بزرگی در حله به او داده شد و ثروت بسیار یافت (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۳۷– ۳۸). وی به سال ۶۷۳ قمری در حلـه درگذشـت و در نجـف مـدفون شـد (ابـن فـوطی، ۱۹۹۷، ص۴۱۸).

فرزند او غیاث‌الدین عبدالکریم (متولد شعبان ۶۴۸ قمـری در کـربلا) در حلـه رشـد یافت؛ اما بیشتر دانش‌اندوزی وی در بغداد بود. او در علم فقه، انساب، نحو و عـروض، چهره‌ای ممتاز بوده است. ابن‌فوطی در میان مشایخ خود، کسی را در حفظ سـیر و آثـار و احادیث و اخبار و حکایات و اشعار برتـر از او نیافتـه اسـت. وی ریاسـت و نقابـت سادات را برعهده داشت و منزلش مجمع پیشوایان علم و بزرگان و ولات و اشراف بود که از مصاحبت با وی بهره می‌بردنـد. وی را نیـز چـون عمـویش رضـی‌الدین صـاحب کرامات دانسته‌اند (ابن‌داود، ۱۳۴۲، ص۱۳۰؛ ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۲، صـص۴۴۲– ۴۴۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

پدرش ابوالفضایل احمد، عمویش رضی‌الدین، محقق حلی و شیخ نجیب‌الدین یحیی بن سعید، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ میثم بحرانی و سید عبدالحمید فخار از استادان وی هستند.[1]

ابن‌داود که مصاحب و شاگرد وی بوده، گزارشی پر مغز از او می‌دهد: «از روزگاری که هر دو کودکانی خرد بودیم، تا زمانی که درگذشت، قرین او بودم. چه پیش از او و چه پس از او، ندیدم کسی را که در خوی و روش پسندیده و شیرینی آمیزگاری، ثانی او باشد، یا در هوشمندی و قوّتِ حافظه همتای وی به شمار آید. چیزی که فراموش شود به ذهنش درنمی‌آمد (هرچه به ذهنش داخل می‌شد، همواره در خاطرش می‌ماند). در زمانی که یازده سال داشت قرآن را در مدتی کوتاه از بَر نمود. هنگامی که فقط چهار سال از عمرش گذشته بود، چهل روزه کتابت آموخت و از آموزگار بی‌نیاز شد. مناقب و فضایل او در شمار نایَد» (مجلسی، ۱۳۷۹، ص۱۳). ابن‌داود او را کثیرالتألیف معرفی کرده است. اما فقط از دو کتاب وی نام می‌برد. عبدالکریم به سال ۶۹۳ قمری در سن ۴۵ سالگی در کاظمین وفات یافت و در نجف مدفون شد (همان، ص۱۳۰؛ همان، صص۴۴۲- ۴۴۳).

عبدالکریم را دو فرزند بود، یکی ابوالفضل محمد که در آخر محرم ۶۷۰ در بغداد زاده شد (طهرانی، بی‌تا، ص۱۹۰) که از او اطلاعی در دست نیست و دیگری رضی الدین علی (زنده به سال ۷۴۱ ق) او را فاضلی صدوق گفته‌اند (حر عاملی، بی‌تا، ج۲، ص۱۹۳) که بسیاردان و واسع الروایه بوده است (طهرانی، ۱۴۰۳، ج۷، ص۱۰۹). وی از شاگردان سید عبدالحمید بن فخار و ابن‌معیه است و مصنفات و مرویات منتجب‌الدین را از پدر روایت می‌کند (ارگانی، ۱۳۸۲، ص۵۱۰).

شجره‌ی آل طاووس در همین جا پایان می‌یابد و به قول ابن‌عنبه اگر عمر، فرزند رضی‌الدین بدون فرزند درگذشته باشد، خاندان طاووس به کلی منقرض شده است (ابن‌عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰).

میراث علمی آل طاووس

آثار علمی این خاندان در مشرب‌های فکری شیعه جایگاهی در خور دارد. معرفی این آثار در شاخه‌های مختلف علوم و معارف شیعه و تبیین جایگاه این آثار

۱. برای آشنایی بیشتر با مشایخ وی ر.ک: (ارگانی البهبهانی الحائری، ۱۳۸۲، صص۴۸۲ – ۴۸۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

در اندیشه و فرهنگ شیعه، سهم این خاندان را در فرایند تحولات فکری مذهب روشن می‌کند.

دانش فقه و اصول

مکتب حله در فقه و اصول پیرو مکتب شیخ طوسی بود. هرچند فقیه پیشرو این مکتب، ابن ادریس، در پیروی از مکتب متکلمان و در برابر اندیشه‌های شیخ طوسی از بی‌اعتباری خبر واحد سخن راند؛ در این میان آل طاووس را می‌توان پیشرو اخباریان و اصولیان مکتب حله و بعدها جریان‌های اخباری و اصولی عصر صفوی دانست. از ایشان ابن طاووس در کودکی فرصت یافت تا کتب فقهی متعددی را که در کتابخانه‌ی جدش، ورام بن ابی فراس بخواند و بعد از دو سال و نیم خود را از مطالعه‌ی فقه بی‌نیاز ببیند. ورام، پدر بزرگش، از قول حمصی به او گفته بود که اکنون برای امامیه صاحب فتوایی اهل تحقیق برجای نمانده است، بلکه همگی اهل نقل‌اند. ابن طاووس بعد از نقل این گفتار حمصی از باور خود سخن می‌گوید که امروز نیز فقها بیش از نقل آرای گذشتگان کاری نمی‌توانند بکنند (ر.ک: ابن طاووس، ۱۴۱۷ ق). با این حال ابن طاووس خود نیز از فتوی گریزان بود؛ لیکن او دلیل این روی‌گردانی را مصلحت دنیا و آخرت خود می‌داند، چرا که چون در اختلافات فقها نظر کرده کلام خدا را شنیده که به عزیزترین مخلوقات خود، محمد (ص)، می‌گوید: «ولا تقولُ علینا بَعضَ الاقاویل لأخذنا منهُ بالیمین ثم لقطعنا منهُ الوتین فما منکم من احدٍ عنهُ حاجزین» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج۱۰۷، ص۳۷)؛ و او ترسان از این بود که اگر کتابی در فقه بنگارد که در او به غلط فتوی دهد و مشمول این آیه گردد. از این روست که ابن طاووس اعلان کرد که جمیع معارف را بایستی از معادن علوم لدنی اهل بیت به واسطه‌ی اصول و کتب معتبره‌ای که به جای مانده، اخذ کرد و در این راه و در جمع‌آوری آثار سلف، اشتیاق بسیار نشان داد و کتابخانه‌ای عظیم فراهم آورد که منبع تدوین آثارش گردید. او از عمل و استناد به ظن (اجتهاد) دوری می‌کرد و به فرزند نیز چنین توصیه می‌کرد.با این حال زمانی که مصلحت جامعه اسلامی را در صدور فتوا در رجحان حاکم کافر عادل بر مسلم ظالم دید در اقدام به آن تردید نکرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

ابن طاووس آثار محدودی در فقه نگاشت: سه کتاب *غیاث السلطان الوری لسکان الثری*، *المواسعه و المضایقه* و *مسالک و المحتاج الی منلسک الحاج* را می‌توان آثار فقهی او دانست که از سومین کتاب اطلاعی در دست نیست (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۶۵ و ۷۱-۷۲).

ابوالفضایل احمد، برادر وی گرایش علمی متفاوت داشت. او با تبویب حدیث، گام بلندی در فقه اجتهادی شیعه برداشت و این کارش سخت مورد شماتت اخباریان که به سندیت کلیه‌ی احادیث کتب اربعه اصرار داشتند، قرار گرفت (موسوی غریفی، ۱۹۸۶، ص۱۶).

اخباریان به واسطه‌ی قداستی که برای خاندان طاووس قائل بودند، این تبویب را به علامه‌ی حلی، شاگرد وی، نسبت دادند و با ادبیاتی شنیع او را محکوم کردند (استرآبادی، ۱۴۲۶، صص۳۰، ۵۶ و ۲۴۶-۲۴۷). با این حال علامه اذعان دارد که احمد بن طاووس اولین کسی است که این تقسیم‌بندی را به کار برد و علامه برای اولین بار در تاریخ فقه آن را با مسائل شرعی انطباق داد (مامقانی، ۱۴۲۳، ص۹۷).

فاضل آبی که در پی تحصیل فقه به حله کوچ کرد، از میان رجال خاندان طاووس فقه ابوالفضایل احمد را برگزید و در تنها اثر فقهی خود، *کشف الرموز*، گذشته از مباحثات و مخالفت‌های بسیار که با دیدگاه‌های فقهی محقق حلی نمود، در بسیاری از مسائل فقهی فقط از احمد بن طاووس نقل کرد (امین، ۱۹۵۸، ج۴، صص۶۳۱-۶۳۲). تألیفات فقهی احمد بن طاووس عبارتند از:۱: *بشری المحققین* ۲: *الملاذ* ۳: *الکر* ۴: *السهم السریع فی تحلیل المبایعه مع القرض* ۵: *الفوائد العده فی اصول الدین* ۶: *الثاقب المسخر علی نقض المشجر فی اصول الدین* ۷: *المسائل فی اصول الدین* (بغدادی، ۱۹۵۵، ج۱، ص۹۵).

دانش حدیث

آل طاووس در حوزه‌های علمی بیشتر به عنوان محدث شناخته می شوند. سعدالدین موسی بن جعفر از محدثان امامیه است که احادیث مروی از وی را فرزندش، علی بن طاووس در مجموعه‌ای چهار جلدی بنام *فرحة الناظر و بهجة*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

الـخـواطـر فراهم آورد. و خطبه‌ای از خویش بر آن افزود (کلبـرگ، ۱۳۷۱، ص۲۱). علی بن محمد مدائنی، حسین بن هبه الله بن رطبه سوراوی و عربی بن مسافر عبادی از مشایخ او در حدیث بودند (ابن طاووس، ۱۳۷۷ق، ج۱، ص۱۹۸).

جد مادری ابن طاووس، ورام بن ابی فراس نیز از محدثان امامیه اسـت (ابـن بابویـه الرازی، ۱۳۶۶، صص۱۲۸– ۱۲۹). ابن طاووس خود از محدثان بلندمرتبه‌ی شیعه اسـت و تقریباً تمامی آثارش را به شیوه‌ی محدثان گردآوری کرده اسـت. مشـایخ حـدیث وی عبارتند از شیخ سالم بن محفوظ بن عزیزه سوراوی، حسین بن احمـد سـوراوی، علـی بن یحیی خیاط، حیدر بن محمد بن زید حسینی، حسن بن علی دربی، اسـعد بـن عبـد القاهر جرجانی، نجیب الدین محمد بن جعفر بن نما و ابـن نجـار محمـد بـن محمـود بغدادی که مورخ بوده است.[۱]

شمار زیادی از طلاب از ابن طاووس روایت کرده‌اند که می‌تـوان بـه بـرادرش سـید غیاث الدین عبدالکریم بن احمد بن موسی (متوفی۶۹۳ق)، علـی بـن عیسـی اربلـی[۲] و علامه‌ی حلی اشاره کرد (شهید اول، ۱۴۰۷، ص۳۳؛ مجلسـی، ۱۹۸۳، ج۱۰۴، ص۱۰۳). ابن طاووس کتابی در ذکر اجازات خود و معرفی مشایخ حدیثش، به نام *الاجـازات لـکـشف طـرق الـمـفـازات* تألیف نموده است (طهرانی، ۱۳۳۷، ص۲۹۹).

برادر وی جمال الدین احمد با تبویب چهارگانه‌ی حدیث، دانش حدیث را متحول و غنی کرد. وی حدیث نبوی را از محی‌الدین ابن زهرهٔ حسینی[۳] روایت کـرد و علامـه‌ی حلی نیز از او روایت کرده است (شهید اول، ۱۴۰۷، ص۷۴).

---

۱. برای آگاهی بیشتر دربـاره‌ی مشـایخ ابـن طـاووس ر.ک: ابن‌طـاووس، ۱۳۷۷ الـف، ج۲، صـص۹۴، ۲۵۴، ابـن طاووس، ۱۴۱۴، صص۷۸، ۲۶۷؛ ابن طاووس، ۱۹۵۰، ص۲۳۲؛ ابن طاووس، ۱۳۷۷ ب، ص۱۴؛ ابـن طـاووس، ۱۴۰۹، صص۷۳، ۷۷، ۷۸، ۸۸، ۱۳۶، ۱۴۱؛ ابن طاووس، ۱۳۷۱، صـص۱۱۵، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۸۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۶۰. ۲۶۰؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج۱۰۴، ص۴۳.

۲. شیخ بهاءالدین ابوالحسن علی بن عیسی فخرالدین ابی‌الفتح اربلی (متـوفی ۶۹۳ هــ) کـه بـه ابـن فخـار اربلـی معروف است، محدّث و ثقه‌ای است، که از جلال‌الدین عبدالحمید بن فخار و رضی الـدین علـی بـن طـاووس روایت می‌کرده است. کتاب کشف الـغـمّـة از آثار اوست. ر.ک: اربلی، ۱۹۸۵، ج۳، صص۱ – ۵ ؛ حر عاملی، امل الامل، ج۲، ص۲۰۷.

۳. محی‌الدین ابوحامد محمد بن ابی‌القاسم عبداللّه بن ابی‌علی زهره حسینی حلبی، شیخ فاضـل و جلیل‌القـدر، کـه از ابن شهرآشوب و شاذان بن جبریل قمی روایت کرده و معاصر شیخ محمد بن ادریس (متوفی ۵۹۷ هـ) بـوده است. ر.ک: حر عاملی، بی‌تا، ج۲، ص۲۸۰؛ الافندی، ۱۴۰۱، ج۵، ص۱۱۴.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

فرزندش عبدالکریم از محدثان امامیه است که در حفظ احادیث، حافظه‌ای کم نظیر داشت. وی حدیث را از عمویش رضی‌الدین علی، پدرش محقق حلی جعفر بن حسن (حر عاملی، بی‌تا، ج۲، ص۱۵۹)، عبدالحمید بن فخار موسوی، نجیب‌الدین یحیی بن احمد بن سعید و مفیدالدین محمد بن علی بن جهیم حلی روایت کرده است. علی بن حسین بن حماد لیثی حدیث نبوی را از او روایت می‌کند(افندی، ۱۴۰۱، ج۳، صص۱۶۶ - ۱۷۰).

منقبت‌نگاری

مناقب‌نگاری در میان مسلمانان، سنتی اصیل است. جایگاه خون و شرف نزد عرب و جدال تاریخی مسلمانان در مسأله «امامت و خلافت» باعث رواج مناقب‌گویی و مناقب‌نگاری در فرهنگ اسلامی شد. در این میان شیعیان که محور اعتقادشان «احقیت و افضلیت خاندان پیامبر» به امامت امت بود، در گردآوری و تدوین مناقب و فضایل خاندان پیامبر سعی وافر داشتند. از میان مکاتب فقهی-کلامی امامیه، مکتب حله در مناقب‌نگاری جایگاهی ممتاز دارد. بعدها صفویان از میراث مناقب‌نگاری حله در هویت‌بخشی نوین به جامعه‌ی ایران بهره بردند. آل طاووس در سنت مناقب‌نگاری حله جایگاه ممتازی دارند و آثارشان در عصر صفوی مورد توجه قرار گرفته است.

از میان ایشان، ابن طاووس دست‌کم هفت کتاب در موضوع مناقب اهل بیت (ع) نوشت. هر چند دیگر آثار او به‌ویژه آثار متعددش در ادعیه نیز از ذکر مناقب و فضایل اهل بیت خالی نیست. آل طاووس به‌ویژه ابن طاووس در این سنت، متأثر از ابن بطریق بودند. ابن بطریق با دو اثر خود در زمینه‌ی مناقب، به‌نام‌های *العمدة* و *الخصایص* شهرت عام یافت (عسقلانی، ۱۹۸، ج۴، ص۱۳۶). مناقب‌نگاری ابن بطریق، خود متأثر از ابن شهرآشوب و عمادالدین طبری دو نماینده‌ی برجسته‌ی مکتب متکلمان ری بود. این دو مدتی در حله اقامت داشتند و اولین طبقه‌ی عالمان مکتب حله از جمله ابن بطریق نزد ایشان تلمذ کردند (پاکتچی، ۱۳۸۵، صص۱۴۷و۱۵۶). شایان ذکر است که عمادالدین طبری به دعوت جد مادری ابن طاووس، ورام بن ابی فراس به حله آمد. شخصیتی که در شکل‌گیری شخصیت ابن طاووس نقشی اساسی داشت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

جایگاه والای نمایندگان مکتب ری، در تمایل این خاندان به مناقب‌نگاری بروز کرد. از میان آن‌ها، ابن طاووس در آثار خود در سبک نگارش و شیوه‌ی علمی متأثر از ابن بطریق است (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۱۴۱). وی هم‌چنین بخشی از مناقب ابن‌شهرآشوب درباره‌ی مهدی (ع) که امروزه موجود نیست، از او روایت کرد (ابن طاووس، ۱۴۱۹، ص۱۲۷). ابن طاووس کتاب *الطرائف فی (معرفه) مذاهب الطوائف* را که یک کتاب مناظره‌ی ضد سنی است، در عهد خلفای عباسی زمانی که در بغداد بود (حدود سال ۶۳۳ ه) نوشت (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۱۰۱). این کتاب در واقع گردآوری مجموعه احادیثی است که در برتری امام علی (ع) و خاندانش بر امامت مسلمین صادر شده است. ابن طاووس در نگارش این اثر از کتاب *البرهان فی اسباب نزول القران* ابن شهرآشوب استفاده کرد (ابن طاووس، ۱۴۰۰، صص۸۰ و۴۳۱). او با نگارش *طرف من الانباء و المناقب فی شرف سید الانبیاء و (عترته) الاطایب* به تکمیل کتاب الطرائف پرداخت. این اثر در مورد وصایا و سفارشات به امام علی (ع) و خاندانش تألیف شده است (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۱۰۸).

ابن طاووس در این دو کتاب، خود را معرفی نمی‌کند و از قول مردی ناشناس سخن می‌گوید که بایستی از باب تقیه بوده باشد. اقبال عموم به آثار ابن طاووس در عصر صفوی موجب ترجمه‌ی طرائف در عهد شاه طهماسب و به سفارش وی توسط علی بن حسن زواره‌ای گردید (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۱۰۲). این اثر از منابع مورد استفاده‌ی بحار نیز شمرده می‌شود.

اما شاخص‌ترین اثر ابن طاووس در مناقب، کتاب *الیقین باختصاص مولانا علی بامره المؤمنین* است که ابن طاووس آن را در سنین بالای هفتاد سال تألیف کرد. این اثر شامل دویست و بیست حدیث از اهل سنت در اثبات این نظر است که علی بن ابیطالب در عصر پیامبر (ص) به امیر المؤمنین شهرت داشته است. ابن طاووس بعد از اتمام کتاب، کتابی بنام *نور الهدی و المنجی من الردی* از حسن بن ابی طاهر جاوانی می‌یابد که در زمینه فضایل امیرالمومنین بوده است. وی این کتاب را تکمیل و با نام *التحصین*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

لاسرار ما زاد من اخبار کتاب الیقین به نگارش درمی‌آورد. همان طور که از نام آن پیدا است در تکمله الیقین است(ابن طاووس، ۱۴۱۰ق، ص۷-۲۷). این دو اثر از مصادر کتاب بحار الانوار مجلسی می‌باشند که حاکی از مقبولیت آثار ابن طاووس در عصر صفوی است(کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۹۸ و ۱۱۰).

اثر دیگر ابن طاووس در مناقب به نام انوار *البا هره فی انتصار العتره الطا هره* است. این اثر نیز در همان موضوع الیقین و مشتمل بر ۱۰۵ روایت در فضایل علی (ع) به روایت ۱۸ نفر از محدثان بوده است (ابن طاووس، ۱۴۱۰، ص۳-۶). کتاب دیگر وی، *انوار اخبار ابی عمرو الزا هد* گزیده‌ای از کتاب ابی عمرو در مناقب اهل بیت است. *ری الظمان من مروی محمد بن عبدالله بن سلیمان* نیز یکی دیگر از آثار ابن طاووس است که مشتمل بر فضایل امام علی (ع) به روایت عبدالله بن سلیمان حضرمی بوده است. از میان این آثار سه اثر آخر از میان رفته است (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۵۲ و ۹۴).

از برادر دیگر ابن طاووس، ابی الفضایل احمد بن طاووس نیز دو اثر در حوزه‌ی مناقب ثبت شده است؛ یکی *ایمان ابی طالب* (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص۲۸) که به تقلید از اثر استادش فخار بن معد موسوی بنام *الحجه علی الذا هب الی تکفیر آل ابی طالب* نوشت (طهرانی، ۱۴۰۳، ج۶، ص۲۶۱). دیگر کتاب وی *عین الغبرة فی غبن العترة* که با ذکر فضایل اهل بیت، بیشتر ذکر مصائب و سختی‌های است که بنی امیه و بنی عباس بر خاندان پیامبر روا داشتند و آنان را از حقوق خویش محروم کردند (ابن طاووس، ۱۳۷۹، صص۵-۲۰). این اثر که مطالبش بر مبنای شأن نزول آیات قرآن درباره‌ی اهل بیت تنظیم شده، حاوی مطالبی است که در کتب دیگر یافت نمی‌شود (خوانساری، ۱۳۹۰، ج۱، ص۶۶). احمد بن طاووس در این اثر هم‌چون برادر از معرفی خود خودداری می‌کند که طبیعتاً مبنای تقیه داشته است. فرزند احمد، عبدالکریم، نیز در اثری که از وی به نام *فرحة الغری* باقی مانده است، بخش‌هایی از مناقب و کرامات امام علی (ع) به‌ویژه قبر مطهر ایشان را در آن آورده است (مجلسی، ۱۳۷۹، صص۷-۱۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

ادعیه و زیارات

رضی‌الدین علی بن طاووس، برجسته‌ترین محدث مدرسه‌ی حله در تدوین مجامیع دعایی امامیه سهم بسزایی دارد (ابن‌طاووس، ۱۳۷۷ب، صص۴۵- ۴۶) و از این بُعد در فرهنگ تشیع ایران در عصر صفوی و قاجار تا به امروز تأثیر عمیقی از خود به جای گذاشته است. کافی است بدانیم کتاب مفاتیح‌الجنان شیخ عباس قمی با جایگاهی که در فرهنگ امروز شیعیان دارد، در اکثر نصوص، وام‌دار دائرة المعارف دوازده جلدی ابن‌طاووس در ادعیه است (جعفریان، ۱۳۷۶، ص۳۹). تأثیر ابن‌طاووس در این زمینه، صرفاً به تدوین میراث دعایی تشیع محدود نمی‌گردد؛ بلکه بخش اعظم هویت دعا در فرهنگ شیعه ـ به خصوص در ایران ـ و جایگاه آن در متن زندگی روزانه‌ی شیعیان، حاصل تلاش‌های ابن‌طاووس در این‌باره و نیز تأثیر نفوذ شخصیتی او در زمان حیاتش و بعد از آن، در جوامع شیعی است. از پنجاه و نه اثر شناخته شده از وی، بیست و یک اثر در ادعیه و زیارات است و این‌همه به پشتوانه‌ی هفتاد جلد کتابی است که در موضوع ادعیه در کتابخانه‌اش گردآورده بود. او خود بر این باور بود که این مجموعه در کثرت و فایده بی‌نظیر بوده است (ابن‌طاووس، ۱۴۱۷، ص۱۳۱). وی تصریح می‌دارد که غالب روایات کتاب‌هایش *صحیح الروایة* است (ابن‌طاووس، ۱۳۷۷ ب، صص۴۵ـ۴۶) و در مواردی که طریق معتبری نیافته به عموم حدیث اکتفا کرده است.[1] در بعضی موارد نیز ابن‌طاووس ادعیه‌ای را از جانب خویش انشا کرده که به آن تصریح دارد.[2] امروز بسیاری از منابع کتاب‌های ادعیه‌ی ابن‌طاووس در دسترس نیست (جعفریان، ۱۳۷۶، صص۱۳ـ۲۳) و همه‌ی کتب ادعیه‌ی عالمان شیعه بعد از وی وام‌دار او هستند (طهرانی، ۱۴۰۳، ج۲، ص۲۶۵). حتی تأثیرگذارترین اثر دعایی شیعه *مصباح کفعمی*، هم در

۱. فقها در ادله‌ی روایاتی که شامل احکام نباشد و متضمن ثواب و قرب الهی است، سختگیری نمی‌کنند و نام عموم حدیث را بر آن اطلاق می‌کنند.

۲. ابن‌طاووس تعابیری چون «دعاءً من خاطری»، «الفاظ من خاطری»، «دعا اورد الله عزوجل علی خاطرنا»، «دعوات ورد علی خاطری» و «دعاءً انشاءناه» بر ادعیه‌ی انشای خویش به کار می‌برد (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۱۴۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

اسلوب و هم در محتوی به طور عمده تحت تأثیر آثار اوست (جعفریان، ۱۳۷۶، ص۲۸). در *دایرة المعارف‌های شیعه*، چون *بحار الانوار* و *وسایل الشیعه* و *مستدرک الوسایل* نیز از آن فراوان نقل گردیده است (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۱۱۶- ۱۱۹). در شوال ۱۰۸۹ از میان کتب ادعیه‌ی ابن‌طاووس، کتاب مفصل *اقبال* او به دستور شاهزاده آغابیگم دختر شاه عباس به فارسی ترجمه شد و نیز کتاب *مهج الدعوات و منهج العنایات* وی در این عصر چندین بار به فارسی ترجمه شد (جعفریان، ۱۳۷۶، ص۲۵؛ کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۲۴۹). بعد از او باید از تلاش‌های ابن فهد حلی در این زمینه یاد کرد. او با نگارش چهار کتاب در ادعیه به تکمیل آثار ابن‌طاووس پرداخت و در این کار از روش او تبعیت کرد. آثار او عبارتند از ۱: *الادعیة و الختوم*؛[1] ۲: *عدة الداعي و نجاح الساعي* (طهرانی، ۱۴۰۳، ج۱۵، ص۲۲۸)؛ ۳: *فصول في التعقیبات و الدعوات* (افندی، ۱۴۰۱، ج۱، ص۶۵؛همان، ۱۴۰۳، ج۱۶، ص۲۴۲)؛ ۴: *نبذة الباعي فیما لابدمنه في اداب الداعي*.[2]

ابن طاووس به کاربردهای دنیوی ادعیه (تعویذها) توجه داشت. از جمله‌ی این موارد، ذکر ادعیه در رفع امراض، ادای قرض، تقویت حافظه، دفع ناملایمات و دشمنی‌هاست[3]. همین ویژگی‌های آثار دعایی وی باعث نفوذ آثار وی در میان مردم شد و با اقبال عمومی روبه‌رو گردید. از این نمونه است باور راسخ ابن طاووس

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مدرسی تبریزی، ۱۳۷۴، ج۸، ص۱۴۵؛ امین، ۱۹۵۸، ج۴، ص۵۱۵؛ طهرانی، ۱۴۰۳، ج۱، ص۳۹۳؛ القائینی، ۱۴۰۵، ص۱۳۱.

۲. برای آگاهی بی‌تر ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۰، ص۹۵؛ بحرانی، لؤلؤ البحرین، ص۱۵۷؛ بحرالعلوم، الفوائد الرجالیة، ج۲، ص۱۰۸؛ جابلقی، طرائف المقال، ج۲، ص۴۲۳؛ امین، ۱۹۵۸، ج۴، ص۵۱۲؛ طهرانی، ۱۴۰۳، ج۲۰، ص۲۰۰.

۳. برای نمونه بنگرید به: کتاب المنتقی فی العوذ و الرقی و یا المجتبی من الدعاء المجتبی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

به استخاره در امور علمی سیاسی و تصمیماتی که در زندگانی اتخاذ می‌کرد. او در این باره می‌گوید: «و رایت الاستخاره اقوی فی کشف بعض الاسرار و ابلغ فی الاشارة» (ابن طاووس، ۱۹۴۸، ص۲۱۸) برای نمونه او در تصمیم بر نگارش کتاب‌هایش استخاره می‌کرد و در اختیار زوجه نیز به همین منوال رفتار کرد. او نقل می‌کند که یکبار یکی از صاحب منصبان حله خواستار ملاقات با وی می‌شود، پنجاه بار استخاره می‌کند و هر بار (لاتفعل) می‌آید. یا بار دیگر در دیدار با صاحب منصبی دیگر بیست و دو بار استخاره و چهار بار رقاع می‌کند که همه (لاتفعل) می‌آید (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ص۲۲۳-۲۲۴). ابن طاووس اینهمه را در تأیید استخاره در زندگی می‌آورد.

آل طاووس و اخلاق و عرفان

بدرستی برجسته‌ترین ویژگی آل طاووس که تا به امروز به آن مشهورند و به واسطه‌ی آن مورد احترام تمام جریان‌های فکری قرار گرفته‌اند، زهد و پارسایی آنان است. جد اعلای ایشان، اسحاق، از زهاد عصر خود بوده است (مجلسی، ۱۹۸۳، ج۱۰۷، ص۴۴). سعدالدین موسی بن جعفر را در شمار زهاد زمانش آورده‌اند (ابن عنبه، ۱۴۲۷، ص۲۳۳). فرزند شهیرش علی بن طاووس معروف به ابن طاووس در مقامات معنوی و تقدس خود و آثارش، مقامی یگانه در حوزه‌های علمی امامیه به ویژه ایران داشته و دارد. این موقعیت برای ابن‌طاووس در زمان حیاتش حاصل گردید و شهرتی عام یافت (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۱۹- ۳۹)، همین زهدش، مانع همکاری وی با سلاطین و نشستن بر کرسی افتا شد (ابن‌طاووس، ۱۴۱۷، صص۱۱۲ - ۱۱۴).

بنا بر نقل موافق و مخالف، او در عصر خودش مستجاب الدعوه بوده (ابن‌طاووس، ۱۳۸۱، ص۳۵۳) و به اسم اعظم دست یافته بود؛ اما از این‌که آن را به فرزندانش بیاموزد منع شده بود و صرفاً اجازه داشت آن را در میان آثارش بپراکند تا شاید با مطالعه‌ی بسیار، فرزندانش نیز بر آن آگاهی یابند (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص۳۵). در سامرا دعایی را سحرگاهان از امام عصر (ع) تعلیم گرفت (ابن‌طاووس، ۱۳۸۱، ص۳۵۳) و بنا بر نقل مشهور، تا پایان عمر به شیوه‌های مختلف با امام (ع) در ارتباط بود (تبریزی ۱۴۱۱ ق،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

ص۵۳۸). او بـا واسـطه، از امـام (ع) اطـلاع یافـت کـه وقـت ظهـور نزدیـک اسـت (ابن‌طـاووس، ۱۳۷۷ الـف، ج۳، صـص۱۱۶– ۱۱۸). چنـدی قبـل نیـز بـرادرزاده‌اش، مجدالدین محمد بن حسن بن موسی بن طاووس، کتابی بـه نـام *البشـارت* بـرای هولاکو نگاشته بود (ابن‌عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰)، که ظهور مغولان را بشارت ظهور مهدی (عج) قلمداد می‌کرد. تب ظهور امام (عج) با این روایات در حله چنان بالا رفت که هـر روز، صد سوار از نماز عصر تا مغرب با اسبی آماده، انتظارش را می‌کشیدند و بر طبل‌ها می‌کوفتند (ابن بطوطه، بی‌تا، ج۲، ص۵۶). در این زمان، در شرایطی خـاص، روایتـی از ملاحم بطاینی در نظرش آمد که بعد از زوال بنی‌عباس مژده‌ی دولت مردی دادگسـتر از خاندان نبوت را که مقدمه‌ی ظهور آن حضرت اسـت، مـی‌داد. ابن‌طـاووس اوصـاف آن مرد علوی را با خود منطبـق دیـد و اشـاراتی نیـز در تأییـد مکاشـفه‌اش از عـالم غیـب مشاهده کرد و یقین حاصل نمود که آن علوی اوسـت (ابن‌طـاووس، ۱۳۷۷ الـف، ج۳، ص۱۱۸). منابع در مورد اقدامات او بعد از این اطلاع، خاموشند؛ اما آن‌قدر می‌دانیم کـه نقابت از او گرفته شد و به نقلی به قتل رسید (ابن‌زهره، ۱۳۸۲، ص۵۸؛ کلبـرگ، ۱۳۷۱، ص۳۳). قدرت شخصیت روحانی و علمی او باعـث شـد، جریـان نـوینی در اندیشـه‌ی شیعه بر مبنای دعا و تزکیه به ظهور رسد.

بُعد دیگر شخصیتی ابن‌طاووس، زهد صوفیانه یا عزلت‌گزینی اوست. ابن‌طاووس سه سال در مجاورت مرقد غروی عزلـت گزیـد. ازدحـام مـردم در نجـف، او را بـه حـائر حسینی که دورتر از مردمان بود متمایل کرد و سه سال نیز در آن‌جا گوشه‌نشینی اختیـار کرد. این عزلت‌نشینی‌ها آن‌قدر در کام او شیرین بود که قصد سامرا کرد تا از آمد و شـد مردم دورتر باشد؛ اما حوادث ایام، اجرای این تصمیم او را میسر نکرد. او معاشـرت بـا مردم را درد بی‌درمان خواند و آن را شبیه به اشتغال به بت‌ها در دوره‌ی جاهلیت شمرد و به فرزندش محمد وصیت کرد که از معاشرت با مـردم بپرهیـزد (ابن‌طـاووس، ۱۴۱۷، صص۱۵۷–۱۷۴).

همین ویژگی، او را از دانش‌هایی چون فقه که با دنیای مردم مرتبط بودند، دور کـرد و او را به معارفی سوق داد که او را از دنیای خـاکی بـه افـلاک می‌بـرد؛ چـون ادعیـه، زیارات و موضوعاتی چون مغیبات و استخاره و نجوم.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

زهد ابن طاووس در مکتب حله چنان مقبولیتی یافت که برجسته‌ترین فقیه اصولی قرن نهم حله ابن فهد، در زهد و عرفان او را الگوی خود قرار داد و کتابی به نام *التحصن* که هم‌نام یکی از آثار ابن طاووس بود نوشت. وی در آن اساس تعالیم خود در زهد را طرح کرد (شیبی، ۱۳۸۵، صص۲۷۴و۲۷۵).

از ابن طاووس کتابی در اخلاق با عنوان *محاسبه النفس* به جای مانده است که مجلسی در بحار، بارها از آن استفاده کرده است (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۸۶ و۸۷). دو اثر دیگر ابن طاووس با نام‌های *التعریف للمولد الشریف* و *التشریف بتعریف وقت التکلیف* نیز در حوزه‌ی اخلاق و تربیت قرار دارند (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۸۶، ۸۷، ۱۰۳و۱۰۶).

از فرزند ارشد ابن طاووس، محمد در منابع با اوصاف سید جلیل و زاهد نام برده‌اند (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ص۱۳۲). او در عمل به وصایای پدر، پیشنهاد نقابت را که از سوی خواجه عطاملک جوینی صاحب دیوان به وی شد، رد کرد. هر چند برای مدتی نقابت نجف و کربلا را عهده‌دار بود، اما غالب عمر را در خانه‌نشینی و عبادت سپری کرد (ابن زهره، ۱۳۸۲، ص۵۸).

ابوالفضایل احمد، برادر دانشمند ابن طاووس را در ورع و تقوا برترین فضلای عصر خود دانسته‌اند (مجلسی، ۱۹۸۳، ج۱۰۷، ص۶۳). او صاحب کتابی در موعظه و اخلاق بوده است با عنوان *زهرة الریاض و نزهة المرتاض* که تا عصر شهید ثانی در دسترس بوده است (طهرانی، ۱۴۰۳، ج۱۲، ص۷۴). فرزند وی عبدالکریم را نیز به اوصاف زاهد و عابد ستوده‌اند و او را نیز مانند عمویش صاحب کرامات دانسته‌اند.[۱]

برادر دیگر ابن طاووس به نام عزالدین حسن هم در منابع با عنوان «زاهد» یاد شده است (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۱، ص۱۵۳). او سه پسر داشت که هر سه دارای مقامات معنوی و زهد بوده‌اند. یکی ابوالحسن سعدالدین موسی که او نیز به عنوان زاهد

۱. مجلسی، ۱۹۸۳، ج۱۰۸، ص۱۵۴؛ عمیدالدین ابوالفضل عباس بن عباس البزاز الادیب در توصیف نماز باران سید عبدالکریم که اجابت گردید و باران بارید، شعری دارد به مطلع «بعزمک سحّت الحسبِ وأولت فوق ما یجبِ و قد کان الثری یبسا فلاماء ولاعشب» ر.ک: ابن فوطی، مجمع الاداب، ۱۴۱۶ق، ج۲، ص ۲۲۵.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

توصیف شده است.(ابن فـوطی، ۱۴۱۶، ج۴، ص۱). دیگـری مجدالـدین محمـد کـه در جامعه‌ی شیعه‌ی عراق، زعامت معنوی داشته است (ابن فوطی، ۱۹۹۷، ص۳۶۰). فرزنـد دیگر وی قوام‌الدین احمـد را ابن‌فـوطی، امیرالحـاجی خـوش اخـلاق و کـریم معرفـی می‌کند که حجاج از خدمات وی راضی بودنـد (ابـن فـوطی، ۱۴۱۶، ج۳، ص۴۷۴). در واقع آن‌چه آل طاووس بابت آن مورد سـتایش و تقـدیس جوامـع شـیعی هسـتند، بُعـد عرفانی و اخلاقی این خاندان است که دلیل اصلی نفوذ آثـار آنـان در میـان شـیعیان بـه شمار می‌آید.

علم انساب

علم انساب از شریف‌ترین دانش‌ها نزد همه‌ی فرق مسلمانان بوده است و آثار زیادی در آن نوشته شده است. در مکاتب علمی امامیه نیز این علم مورد توجه بوده اسـت. در مکتب حله نیز نسابان برجسته‌ای در خاندان‌های بنی معد و بنو اعرج و بنو معیـه ظهـور کردند. آل طاووس نیز در این علم از اعتبار برخوردار بودنـد و از حـاملان ایـن دانـش محسوب می‌شدند. به‌ویژه که خود از سادات ذوالحسـبین بودنـد و بـه شـکل مـوروثی نقابت سادات علوی را عهـده‌دار بودندکـه از وظـایف اساسـی آن حفـظ و حراسـت از شجره‌ی سادات بود و این میسر نبود مگر با شناختی کافی به دانـش انسـاب. بی‌تردیـد ابن طاووس از دانش گسترده‌ای در علم انساب برخوردار بـود. علاءالـدین اشـرف بـن احمد بن مودود حسنی تبریزی، از بزرگان سادات و علمای تبریز، علـم انسـاب را نـزد وی فرا گرفت. ابن فوطی درباره‌ی او چنین می‌گویـد: « نـزد وی کتابـت می‌کـردم و از نسل وی قاریان و فقها در تبریز بجای مانده است» (ابـن فـوطی، ۱۴۱۶، ج۲، ص۲۸۵). ابن طاووس به سبب علاقه به انساب، دیوان النسب علی بن مرتضی را به صـد دینـار و به اصرار خریداری می‌کند و علی‌رغم وصایای نویسنده و ابن طاووس بـه نـابود کـردن آن، این کتاب توسط فرزندانش، به‌ویژه علی که از علاقمندان به ایـن علـم بـود، حفـظ گردید (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۲۴۱و۲۴۲). شدت علاقه‌ی علی به دانش انساب سبب شد کـه او در جسـتجوی مـواد انسـاب، در سـال‌های ۷۰۱ و ۷۰۴ قمـری بـه آذربایجـان و سلطانیه سفر کند (شیبی، ۱۹۵۸، ج۲، ص۲۳۰). این علاقه او را برآن داشـت تـا از ابـن الاعرج حلی، نسابه‌ی عصر خود درخواست کند کتابی در انساب بنگارد. بی‌تردید او در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

جایگاه نقابت، محل رجوع علویان در موضوع انساب بوده است. از میان آن‌ها قطب الدین حیدر بن حسین علوی سوکندی برای تصحیح نسب خود به وی مراجعه کرد. فرزند رضی الدین به نام قوام الدین احمد نیز در شمار عالمان نسابه است (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۳، صص۸۶ و۳۷۶). برادرزاده‌ی ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد بن طاووس را فقیه نسابه خوانده‌اند (ابن داود، ۱۳۴۲، صص۴۵ و ۱۳۰)؛ شاگردش ابن فوطی او را در شمار شجره‌نویسان عصر خود می‌آورد و از گفتار وی به نظر می‌رسد تألیفاتی در این موضوع داشته که نامی از آن‌ها باقی نمانده است (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۱، ص۴۴۰). وی دانش نسب را از عبدالحمید بن فخار بن معد موسوی روایت می‌کند و از او اجازه‌ای در روایت کتاب *المجدی فی انساب الطالبیین* دریافت کرده است. فرزند وی رضی الدین علی بن عبدالکریم از شاگردان جلال‌الدین عبدالحمید بن فخار در علم انساب است (افندی، ۱۴۰۱، ج۳، ص۸۲و ج۴، ۱۲۳). وی به گردآوری نسب همت گماشته است و در این باره از فخر الدین علی بن محمد صاحب کتاب *جوهره القلاده فی نسب بن قتاده* به سال ۷۰۱ ق دعوت به همکاری کرد؛ اما مرگ فخرالدین نسب‌شناس برجسته‌ی حله، مانع انجام این کار شد (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۳، ص۸۶).

دانش تفسیر

شیعیان امامیه، برخلاف اهل سنت، از همان آغاز به تفسیر قرآن اعتقاد داشتند. از لحاظ تاریخی نقطه‌ی آغاز نوشتن تفسیر شیعه به عصر امامت علی بن الحسن می‌رسد[1] و اوج آن در قرن ششم هجری بود؛ اما با هجوم مغولان در قرن هفتم، تفسیر رونق گذشته را از دست داد. تنها در مکتب حله شرایط مناسبی برای نوشتن کتب فقه القرآن و تفسیر فقهی فراهم شد. برجسته‌ترین اثر در این زمینه کتاب *کنزالعرفان فی فقه القرآن* فاضل سیوری است. آل طاووس در

۱. تفسیر ابوحمزه ثمالی و جابربن یزید جعفی از اصحاب امام سجاد (ع).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

دانش تفسیر و علم قرائت مکتب حله نقشی درخور داشته‌اند. ابـن طـاووس در تفسـیر، شاگرد حسین بن احمد سوراوی است (ابن طاووس، ۱۴۱۰، ص۲۰۸). او دارای تـألیفی در تفسیر به نام سعدالسعود است که از جمله آثار کتابشناسـی نیـز بـه شـمار می‌آیـد و بخش اصلی آن به معرفی تفاسیر شیعه پرداخته است، اما مؤلـف در کنـار آن، خـود بـه تفسیر آیات قرآنی می‌پردازد (ابن طاووس، ۱۴۲۱، ص۱۲۶).

ابوالفضایل احمد بن طاووس نیز در تفسیر محکمـات بصـیر و در تأویـل متشـابهات بی‌نظیرش خوانده‌اند، ابن داوود شاگرد او می‌نویسد:« او در این علم به گونـه‌ای تحقیـق کرد که دیگر نمی توان بر آن افزود» (ابن داود، ۱۳۴۲، ص۴۵). از مصـنفات او در ایـن علم *شـوا هـد الـقـرآن* (حر عاملی، بی‌تا، ج۲، ص۳۰) و کتاب *عـیـن الـعـبـرة فـی غـبـن الـعـتـرة* است که در تفسیر آیاتی نوشته شده که در شأن اهل بیت یـا بطـلان طریقـه‌ی مخالفـان نـازل شـده اسـت (بخشایشـی، ۱۳۷۲، ج۲، ص۲۲۲). سـید عبدالکریم بن طاووس نیز از استادان قرائـت قـرآن بـوده و شـیخ کمـال الـدین محمـد مخرمی شاگرد او در این دانش بوده است (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج۱، ص۲۴۴).

علم کلام

آل طاووس روی خوشی به دانش کلام نشان ندادنـد. برجسـته‌ترین شخصـیت ایـن خاندان ابن طاووس در کتاب *کـشف الـمـحـجـه* دلایلش را برای دوری از علـم کـلام بیان می‌دارد. او در این اثر به خواننده یادآوری می‌کند که مطالب او از روی ناآشنایی بـا این علم نیست؛ بلکه کتب کلامی را مطالعه کرده است و بعد از شناخت به ایـن نتیجـه رسیده است. در منابع، ابن طاووس را شاگرد ابن نما در کـلام آورده‌انـد. ابـن طـاووس دانش کلام را شناخت خداوند و معارف الهی از روی کسـب و تعقـل می‌دانـد. او ایـن دانش را بر خلاف دیدگاه قرآن و سنت می‌پندارد که منبع معرفت الهی را فطرت معرفی می‌کنند. او دلایلی از قرآن و سنت در این‌باره ذکر می‌کند و در اثبات این باور کـه علـم کلام امور بدیهی و واضح فطری را به استدلال‌های پیچیده و مبهم عقلـی بـدل می‌کنـد، چندین مثال می‌آورد. او تعقل در اموری چـون جـوهر، عـرض اجسـام را ازآن رو کـه متعلم را به راه‌های بسیار دور و پر خطر رهنمون می‌کند جایز نمی‌داند. او مثـال روشـن بطلان کلام را اختلاف‌های شیخ مفید و سید مرتضی دراین علم می داند (ابن طـاووس،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

۱۴۱۷، صص۴ و۲۰). ابن طاووس کتابی در علم کلام با عنوان *شفاء العقول من داء الفضول* داشته که امروزه برجای نمانده است (مجلسی، ۱۹۸۳، ج۱۰۴، ص۴۳). کتاب دیگر وی که آن نیز از بین رفته *فتح (محجوب) الجواب الباهر فی (شرح وجوب) خلق الکافر* است، که چون ابن طاووس به عنوان اثر کلامی نامی از آن نبرده است بایستی چون دیگر آثار وی به شیوه محدثان تنظیم شده باشد. اما این دو اثر دغدغه‌های کلامی وی را آشکار می‌کنند و نشان می‌دهند که ابن طاووس با مطلق پرسش‌های عقلی مخالف نیست؛ بلکه تلاش بیهوده‌ی عقلانی در اثبات آن‌چه به زعم او – خداوند به طور فطری به بشر آموخته– مذموم می‌داند. این روشی است که معتزله به آن پایبندند؛ از این روست که آن‌ها را تخطئه می‌کند. احمد بن طاووس نیز کتابی با نام *بناء المقالة الفاطمیه فی نقض الرساله العثمانیه* در جدل و مناظره با جاحظ که از بزرگان معتزله به شمار می‌آید، نوشته است (طهرانی، ۱۴۰۳، ج۳، ص۱۹۰) و این امر طبیعتاً نشان از تسلط او بر دانش کلام دارد.

دانش رجال و درایه

مکتب حله نوآوری‌هایش در علم رجال و درایه را به کوشش‌های این خاندان، به‌ویژه ابوالفضایل احمد و فرزندش عبدالکریم مدیون است. ابوالفضایل احمد را در علم رجال کثیر الاطلاعات خوانده‌اند (ابن‌داود، ۱۳۴۲، ص۴۶). وی رجال و روایت را به کمال و تمام، بحث و تحقیق کرد (حرعاملی، بی‌تا، ج۲، ص۲۳۰) و اولین کسی است که در دانش رجال، موضوع «جرح و تعدیل» را بررسی نموده است (امین، ۱۹۵۸، ج۱۰، ۲۷۸؛ دجیلی، ۱۹۶۶، ج۲، ص۹۳).

شاگرد رجالی‌اش *حسن بن علی بن داود* نویسنده‌ی کتاب *الرجال* درباره‌ی وی می‌گوید: «او مرا پرورش و آموزش داد و به من نیکی فراوانی نمود و بسیاری از فواید این کتاب برگرفته از اشارات و تحقیقات وی است» (ابن‌داود، ۱۳۴۲، ص۴۶). این کلام نشان می‌دهد که ابن‌داود در تألیف کتاب الرجال از استادش کمک گرفته و به او استناد کرده است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

وی در علم رجال کتابی تحت عنوان *حل الاشکال في معرفة احوال الرجال* تألیف نموده که به *التحریر الطاووسی* معروف است. این کتاب را حسن بن زین‌الدین بن علی معروف به «ابن‌شهید ثانی» به رشته‌ی تحریر درآورده است.[1]

ابوالفضایل احمد در علم *الدرایة* برای اولین بار در تاریخ شیعه، حدیث را بر اساس آرای جدیدی تقسیم‌بندی کرد. او حدیث را به چهار قسم (صحیح، حسن، موثق و ضعیف) تقسیم کرد. در حالی‌که قبل از آن احادیث به دو دسته‌ی صحیح و ضعیف تقسیم می‌شدند. ابتکار وی در علم الحدیث، نگاه فقها را از محتوای حدیث که تا آن زمان متداول بود، به سند حدیث سوق داد و علم رجال و درایه را در کانون توجه فقها و محدثان قرار داد. از این رو هرگاه در علم رجال ابن طاووس گویند، مراد اوست (نوری الطبرسی، ۱۴۱۵، ص۴۶۷). فرزند وی عبدالکریم نیز در علم رجال عالمی برجسته و کم نظیر بوده است. او در علم رجال کتابی با عنوان *الشمل المنظوم فی مصنفی العلوم* تألیف کرد. ابن داوود شاگرد وی درباره‌ی این کتاب می‌گوید «در میان اصحاب ما هیچ کس نظیر این کتاب را تألیف نکرده است» (ابن داود، ۱۳۴۲، صص۱۳۰– ۱۳۱). ابن طاووس نیز که تمام عمر را صرف تدوین کتب حدیثی نمود، قطعاً در علم رجال تبحر داشته است. او دو کتاب *الفهرست* و *اسماء الرجال* را بر علی بن یحیی خیاط خواند و از او اجازه گرفت (ابن طاووس، ۱۳۷۱، ص۳۴).

تاریخ و تراجم

آل طاووس به واسطه‌ی گرایش‌های اخباریشان، به تاریخ وتراجم توجه داشته‌اند. از میان آنان ابن طاووس بیشترین آثار را در این زمینه نوشته است. پرآوازه‌ترین اثر در این زمینه را با عنوان *اللهوف علی قتلی الطفوف* را برای خواندن در روز عاشورا نوشت. شهرت این اثر در حدی است که غالباً ابن طاووس را با این کتاب می شناسند. ابن طاووس کتاب دیگری هم در این موضوع به نام *المصرع*

۱. برای آگاهی بیشترف ر.ک: افندی، ۱۴۰۱ ق، ج۱، ص۷۴؛ امین، ۱۹۵۶، ج۱۰، ص۲۸۱؛ طهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج۳، ص۳۸۵؛ صدر، ۱۹۵۱، ص۲۷۰.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

الشین فی قتل الحسین دارد که غالب آن مقتل ابی‌مخنف است (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۷۶-۷۹). کتاب *الاصطفاء فی اخبار الملوک و الخلفای* ابن طاووس اثری در تاریخ عمومی همراه با جزییاتی درباره‌ی اجداد ابن طاووس و خود وی بوده است. *ربیع الالباب* نیز کتابی مشتمل بر احوال اخیار و پاکان بوده است که هیچ کدام از این دو اثر اکنون باقی نمانده است (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۹۳- ۹۴). کتاب *فرج المهموم فی تاریخ علماء نجوم* نیز در اثبات حلیت این علم و آگاهی انبیا و ائمه در این علم، تراجم منجمان جهان اسلام از هر مذهب، اخبار ایشان و در پایان به مغیبیاتی که ائمه از آن اطلاع دادند، بدون کمک از علم نجوم خبر می‌دهد (ر.ک: ابن طاووس، ۱۳۶۸). در تراجم، کتاب *التحصیل من التذلیل* بایستی تلخیص ذیل تاریخ بغداد ابن نجار بوده باشد. اصل این کتاب از بین رفته است (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۹۷- ۹۸). اثر دیگر ابن طاووس، *البهجه لثمرات المهجه*، یک خود تک‌نگاری است که تا آن زمان چنین شیوه و نگارشی مرسوم نبوده است و این را باید از امتیازات ابن طاووس در مکتب حله دانست. در همین موضوع، کتاب دیگر وی *کشف المحجه لثمره المهجه* منبع مهمی درباره‌ی زندگی و اندیشه‌های ابن طاووس است که در اصل وصایای او به فرزندانش و اجازه‌های وی برای آن‌هاست (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۷۵-۷۶). دلبستگی و باور ابن طاووس به مغیبیات، او را به جمع‌آوری مواد ملاحم و فتن سوق می‌داد. از وی کتابی در این موضوع با عنوان *التشریف بالمنن فی التعریف با الفتن* بجای مانده که گویی در اواخر عمر تألیف کرده و برادرزاده‌اش عبدالکریم حواشی‌ای به آن افزوده است (کلبرگ، ۱۳۷۱، صص۱۰۴- ۱۰۵). این عبدالکریم، خود صاحب اثری است با عنوان *فرحة الغری بصرحة الغری* که در عصر صفوی بسیار مورد توجه قرار گرفت؛ به طوری‌که علامه مجلسی آن را ترجمه کرد و مطالب اندکی نیز از خود بر آن افزود. این کتاب درباره‌ی اثبات دفن پیکر امام علی (ع) در نجف اشرف است و متن آن حاکی از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

مجادلاتی است که در آن زمان بین شیعه و سنی دربارهی محل دفن آن حضرت وجـود داشته است. نویسنده با استفاده از طیف وسیعی از روایـات پیـامبر و ائمـهی اطهـار، بـه اثبات دفن امام در نجف میپردازد و روایات متعددی از کراماتی که از قبـر آن حضـرت دیده شده را ارائه میدهد. نویسنده خود به دشواری کـارش در بیـرون آوردن اخبـار از کتب مندرس اشاره کرده است. به یقین موفقیـت او در ایـن کـار مرهـون کتابخانـههای شخصی این خاندان بوده است (مجلسی، ۱۳۷۹، ص۱۳).

مجدالدین محمد بن حسن، برادر ابن طاووس نیز کتـابی بـه نـام *البشـارات*، نوشت و به هلاکو تقدیم کرد. ایـن کتـاب، شـرح خطبـهی تـاریخی امـام علـی (ع) در پیشبینی حملهی مغول و براندازی خلافت عباسی بود (ابن عنبه، ۱۴۲۷، ص۱۷۰).

نتیجه

آل طاووس در برههای از تاریخ (قرن هفـتم هجـری) بـا محوریـت شخصـیت ابـن طاووس، مصدر خدمات علمی و سیاسی ارزشمندی به جوامـع شـیعی شـدند. در بعـد سیاسی، در مقطعی حساس در تاریخ اسلام (یورش مغولان) با رد هرگونه همکـاری بـا خلافت عباسی و رد کامل مشروعیت آنها و پذیرش دولت مغـولان بـه عنـوان دورهی گذار برای شیعیان و قبول منصب نقابت در این دولت، در حفظ و تقویت جوامع شیعی بسیار مؤثر بودند. در بعد علمی در حوزههای متنوع علمی چون حدیث وفقه و رجال و تاریخ و انساب، با اتکا به کتابخانههای غنی شخصی خـود، بخشـی از میـراث شـیعه را احیا کردند که در دورههای بعدی بهویژه در عصر صفوی، جریانهای فکری شیعه چون اخباریگری واصولیگری و فرهنگ شیعه بهویژه در بعد ادعیه و زیـارات تحـت تـأثیر این آثار قرار گرفتند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

منابع و مآخذ

۱. الاعلمی، محمدحسین (۱۳۷۵ق). *دائرة المعارف المسماة بمقتبس الاثر ومجدد مادثر*، قم: مطبعة الحکمه.

۲. آقابزرگ طهرانی (۱۳۳۷). *مصفی المقال في مصنفی علم الرجال*، ایران: نشر عترت.

۳. ابن بابویه الرازی، منتجب‌الدین علی (۱۳۶۶). *الفهرست*، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، قم: نشر کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی.

۴. ابن بطوطه (۱۴۱۷ ق). *الرحلة المسماة تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار*، حققه عبدالهادی التازی، مغرب: مطبوعات إکادیمیة المملکة المغربیة.

۵. ابن‌داود، حسن بن علی (۱۳۴۲ ق). *الرجال*، اعتناء جلال الدین الحسینی، تهران: مطبعة جامعة طهران.

۶. ابن‌زهره، تاج‌الدین بن محمد (۱۳۸۲ ق). *غایة الاختصار فی البیوتات العلویة المحفوظة من الغبار*، حققه محمد صادق بحر العلوم، المطبعة الحیدریة.

۷. ابن‌طاووس، احمد بن موسی(۱۴۱۱ ق). *بناء المقالة الفاطمیة فی نقض الرسالة العثمانیة*، تحقیق السید علی العدنانی الغریفی، بیروت، الطبعه الاولی، موسسه آل البیت لاحیاء التراث.

۸. ---------- (۱۳۷۷ الف). *الاقبال بالاعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنه*، المحقق جواد القیومی الاصفهانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۹. ---------- (۱۳۸۱). *الامان من أخطار الاسفار و الأزمان*، بازگردان: عبدالعلی محمّدی شاهرودی، تهران: آفاق.

۱۰. ---------- (۱۴۱۴ ق). *الدروع الواقیة*، تحقیق، مؤسسة آل البیت (ع) لإحیاء التراث، قم: چاپ یاران.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

۱۱. ---------- (۱۴۱۰ ق). *الیقین باختصاص مولانا علي بإمرة المؤمنین*، تحقیق: محمد علی الانصاری، قم: مؤسسة الثقلین لإحیاء التراث الاسلامی.
۱۲. ---------- (۱۳۷۷ ب). *فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم واللیلة*، تحقیق: غلام حسین مجیدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. ---------- (۱۳۷۱). *جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع*، تحقیق جواد قیومی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. ---------- (۱۹۵۰). *سعد السعود*، نجف: المطبعة الحیدریة.
۱۵. ---------- (۱۳۸۱). *مهج الدعوات و منهج العبادات*، ترجمه‌ی سید علی رضوی، تهران: آفاق.
۱۶. ---------- (۱۴۰۹). *فتح الابواب بین ذوی الالباب و بین رب الارباب فی الاستخارات*، تحقیق خالد الخفاف، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۱۷. ---------- (۱۴۱۷ ق). *کشف المحجة لثمرة المهجة*، تحقیق محمد الحسون، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۸. ---------- (۱۴۲۱ ق). *سعد السعود*، تحقیق: فارس الحسون، قم: دلیل ما.
۱۹. ---------- (۱۳۶۸ ق). *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، نجف: منشورات المطبعة الحیدریه.
۲۰. ابن‌طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۴۱۸ ق). *الاصیلی في الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه*، حققه السید مهدی الرجائی، قم: مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی.
۲۱. ---------- (۱۴۱۴ ق)، *الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*، ایران: منشورات شریف رضی.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

۲۲. ابن عنبه، احمدبن علی (۱۴۲۷ ق). *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، تحقیق السید مهدی الرجائی، قم: کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی نجفی.
۲۳. ابن فوطی، کمال الدین ابوالفضائل عبدالرزاق بن احمد (۱۹۹۷). *الحوادث الجامعة فی المائة السابعة*، حققه بشار عوّاد معروف، بیروت: دارالغرب اسلامی.
۲٤. ---------- (۱۴۱۶ ق). *مجمع الآداب فی معجم القاب*، تهران: موسوعة الطباعه و النشر وزارة الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۲۵. اربلی، علی بن عیسی فخرالدین ابی‌الفتح (۱۹۸۵). *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، بیروت: مطبعة دار الاضواء.
۲۶. ارگانی البهبهانی الحائری، محمود (۱۳۸۲). *انیس النفوس*، قم: نشر دارالهدی.
۲۷. استرآبادی، محمدامین (۱۴۲۶ ق). *الفوائد المدنیه*، تحقیق: مؤسسة نشر الاسلامی، قم: مؤسسة نشر الاسلامی.
۲۸. افندی، عبدالله (۱۴۱۰ ق). *تعلیقة أمل الامل*، تحقیق احمد الحسینی، قم: مکتبة آیة‌الله المرعشی.
۲۹. ---------- (۱۴۰۱ ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق سید احمدحسینی، قم: مطبعة الخیام.
۳۰. امین، محسن (۱۹۵۸). *اعیان الشیعة*، بیروت: چاپ ابن زیدون.
۳۱. بحرانی، یوسف بن احمد (بی‌تا). *لؤلؤة البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث*، حققه و علق علیه: سید محمد صادق بحرالعلوم، نجف: مطبعة النعمان.
۳۲. البغدادی، اسماعیل باشا (۱۹۵۵). *هدیة العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. بخشایشی، عقیقی (۱۳۷۲). *طبقات مفسّران شیعه*، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

۳۴. بهبهانی، محمد بن الحسن (بی‌تا). *الفوائد الرجالیة*، قم: چاپ جامعه مدرسین.
۳۵. شفیع بروجردی، علی اصغر بن محمد (۱۴۱۰ ق). *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرواة*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: چاپ بهمن.
۳۶. جعفریان، رسول (۱۳۷۶). *نزهة الزاهد*، تهران: اهل قلم.
۳۷. حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). *امل الامل*، تحقیق سید احمد حسینی، بغداد: مکتبة الاندلس.
۳۸. خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰ ق). *روضات الجنات فی احوال العلما و السادات*، تهران: اسماعیلیان.
۳۹. دجیلی، عبدالاحب عمران (۱۹۶۶). *اعلام العرب فی العلوم و الفنون*، النجف: مطبعة النعمان.
۴۰. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۷ ق). *الأربعون حدیثاً*، تحقیق: محمد باقر الموحد، قم: امیر.
۴۱. صدر، حسن (۱۹۵۱). *تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام*، بغداد: شرکة النشر والطباعة العراقیة.
۴۲. نوری الطبرسی، حسین (۱۴۱۵ ق). *خاتمة المستدرک الوسائل*، قم: مؤسسة آل البیت ـ علیهم السلام ـ لاحیاء التراث.
۴۳. طهرانی، آغابزرگ (بی‌تا). *الانوار الساطعة فی المائة السابعه*، تحقیق علی‌نقی منزوی، قم: اسماعیلیان.
۴۴. طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
۴۵. علی العیاری تبریزی (۱۴۱۱ ق). *بهجة الامال فی شرح زبدة المقال*، ج۵، قم: فاطمیه.
۴۶. *فتح الابواب بین ذوي اللباب وبین رب الارباب في الإستخارات* (۱۴۰۹ ق)، تحقیق: حامد الخفاف، قم: نشر سه آل البیت(ع) لإحیاء التراث.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]

۴۷. القائینی، علی الفاضل (۱۴۰۵ق). *معجم مؤلفي الشیعه*، تهران: مطبعة وزارة الارشاد الاسلامی.
۴۸. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱). *کتابخانه‌ی ابن‌طاووس و احوال و آثار او*، ترجمه سید علی قرائی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۴۹. مامقانی، عبدالله (۱۴۲۳ ق). *تنقیح المقال في علم الرجال*، قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۵۰. مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳). *بحار الانوار الجامعة الدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۱. ---------- (۱۳۷۹). *ترجمة فرحة الغري*، پژوهش جویا جهانبخش، تهران: میراث مکتوب.
۵۲. مدرسی تبریزی، محمد علی(۱۳۷۴). *ریحانة الادب في تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب*، تهران: کتابفروشی خیام.
۵۳. موسوی غریفی، محی الدین (۱۹۸۶). *قواعد الحدیث*، بیروت: دارالاضواء.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.3.3]